

# رئیس جمهور خودت باش

کتاب الکترونیکی

استفاده از قوانین جهانی که کنترل کامل زندگی تان را بر عهده می گیرید

مهران فصاحت



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴.....	مقدمه.....
۶.....	بخش اول: همه چیز انرژی است.....
۷.....	بخش دوم: قانون فرکانس چیست؟.....
۸.....	بخش سوم: توجه کردن، مهم‌ترین قانون جهان.....
۱۱.....	بخش چهارم: باورهای ما از کجا شکل می‌گیرد؟.....
۱۴.....	بخش پنجم: نگاهی متفاوت به اخبار داشته باشیم.....
۱۷.....	بخش ششم: چگونه باورهایمان را تغییر بدهیم؟.....

www.yekhabarekhabar.com

## مقدمه

اگر تا یک سال پیش، کسی به من می‌گفت که هرآنچه در زندگی‌ات می‌بینی، هر اتفاق خوب یا بدی که تجربه می‌کنی، هر مقدار پولی که بدست می‌آوری، اینکه سر کار باشی یا نه، و یا کار مورد علاقه‌ات را انجام بدهی یا نه، هر انسانی که در زندگی‌ات مشاهده می‌کنی و حتی هر برخوردی که از اطرافیان می‌بینی، تنها و تنها خودت باعث ایجاد آن‌ها هستی و خودت آن‌ها را به زندگی‌ات جذب می‌کنی و هیچ چیز و هیچ کس دیگری مثل دولت، خانواده، کشور، استعداد و... در آن دخالتی ندارند و فقط خودت مسئول صد در صد آن‌ها هستی، قطعاً او را دیوانه فرض می‌کردم، حتی اگر شخصی با مدرک تحصیلی بالا بود.

اگرچه به تجربه فهمیده بودم که برای موفق شدن در هر زمینه‌ای، باید خود فرد تلاش کند، اما اینکه دولت و دیگران هیچ نقشی ندارند، برایم اصلاً قابل درک نبود. اما یک کتاب و یک فیلم، تمام زندگی من را تغییر داد...

## داستان من

در نوجوانی، من هم مثل همه هم‌سن‌های خود، هزاران آرزوی بزرگ داشتم، اما بزرگترین آن‌ها، رئیس جمهور شدن بود. البته نه بخاطر کسب ثروت و یا قدرت، بلکه فکر می‌کردم این بهترین راهی است که بتوانم مشکلات هم‌نوعان و کشورم را حل کنم و یک عدالت نسبی در جامعه ایجاد کنم و البته این هدف بخاطر این بود که معنی عدالت را درست درک نکرده بودم. در این رویا بودم که تصمیم گرفتم در یک رشته خوب با بالاترین مدرک، فارغ التحصیل بشوم. برای همین بعد از گرفتن دیپلم تجربی، بخاطر علاقه به زیست‌شناسی و ژنتیک انسانی، رشته علوم آزمایشگاهی پزشکی در مقطع لیسانس را گرفتم و بعد از دیدن حقوق کم، ادامه تحصیل دادم و رشته جذاب بیوتکنولوژی پزشکی را که هدفش دستکاری ژن و سلول می‌باشد را در یکی از دانشگاه‌های معتبر تهران در مقطع ارشد خواندم. اما باز شرایط کاری و حقوقی چنگی به دل نمی‌زد و حتی دوستانی که در مقطع دکترا هم ادامه داده بودند، بیان می‌کردند که اصلاً از شرایط کار و حقوق راضی نیستند و من هم در این چند سال، آنقدر درگیر این مسائل شده بودم که کلاً هدف رئیس‌جمهوری را فراموش کرده بودم.

من حتی زندگی خودم را هم آنطور که باید اداره نکرده بودم، چطور می‌خواستم اداره یک کشور را بر عهده بگیرم.

در این افکار و ناامیدی‌ها بودم که دوستی، من را به یک شرکت نتورک دعوت کرد و در آنجا با فیلم راز و کتاب حکایت دولت و فرزاندگی آشنا شدم و بعد از دیدن و خواندن بیش از ۷۰ مرتبه آن‌ها، تغییرات زیبایی **به آرامی** در زندگی من بوجود آمد. بعد از تحقیق بسیار درباره قانون جذب و مطالعه کتاب‌های بسیار در این مورد و آموزش اساتید بزرگ (که آن‌ها را جذب کرده بودم)، به قوانین مهم جهان هستی پی بردم و فهمیدم که من سال‌ها، هدف اشتباهی را انتخاب کرده بودم، زیرا تنها کسی که می‌تواند شما را به هرآنچه که می‌خواهی برساند، خود شما و باورهایی که در هر زمینه‌ای در وجودتان رفته است، می‌باشد و نه من و نه هیچکس دیگر و نه هیچ رئیس جمهوری نمی‌تواند تغییری در زندگی شخصی‌تان بوجود بیاورد، مگر اینکه خود شخص بخواهد.

بدان دوست عزیز که اگر این کتاب را می‌خوانی، پس در این مدار قرار داشتی که این کتاب به تو برسد، همانگونه که من نیز بعد از سال‌ها در این مدار قرار گرفتم.

شاید این کتاب و قوانین آن، راهی باشد برای رسیدن من به آرزویم...

آرزوی رئیس جمهور شدن

اما نه رئیس جمهور دیگران، بلکه رئیس جمهور کردن دیگران... رئیس جمهور خود بودن.

## بخش اول: همه چیز انرژی است

در این قسمت سعی می‌کنم تا همه چیز را به سادگی بیان کنم.

تمام چیزهایی که در اطرافمان می‌بینیم، دست‌تان، گوشی‌تان، میزوسندلی، آب و هوا و کلاً مایعات و جامدات و گازها در سرتاسر جهان، از **اتم‌ها** بوجود آمده‌اند. اتم‌ها نیز از سه واحد الکترون، پروتون و نوترون تشکیل می‌شوند؛ که حتماً این موضوع را در دوران دبیرستان خوانده‌اید.

با پیشرفت علم دانشمندان پی بردند که پروتون‌ها و نوترون‌ها نیز از واحدهایی به نام **کوارک** تشکیل شده‌اند که به دو قسمت کوارک‌های بالا (کوارک U) و کوارک‌های پایین (کوارک D) تقسیم می‌شوند و کوارک‌ها نیز در نهایت از انرژی تشکیل شده‌اند. از توضیحات بیشتر در اینجا پرهیز می‌کنم، زیرا این مطالب خود چندین صفحه توضیح لازم دارد.

به زبان ساده اینطور بیان می‌کنیم که کوارک‌ها به هم متصل شده و نوکلئون‌ها (مجموع نوترون و پروتون) را می‌سازند و آن‌ها نیز به یکدیگر متصل می‌شوند و هسته اتم‌ها را تشکیل می‌دهند و هسته‌ها و الکترون‌ها در اتحاد باهم اتم‌ها را ایجاد می‌کنند و اتم‌ها نیز با پیوستن به هم، مولکول‌های بزرگ و کوچک، از قبیل آب یا سفیده تخم مرغ را می‌سازند.

بدن ما نیز از میلیاردها سلول تشکیل شده است که داخل سلول‌ها، هسته وجود دارد و داخل هسته نیز مولکول ژن قرار دارد که عملکرد سلول را تنظیم می‌کند و این مولکول نیز از میلیاردها اتم، و اتم‌ها نیز از انرژی بوجود می‌آیند.

اما با تفاوت‌هایی که انسان‌ها، جانوران، گیاهان، سیارات و یا ستارگان با یکدیگر دارند، باز هم تمام آن‌ها از یک چیز ساخته شده‌اند:

### از انرژی

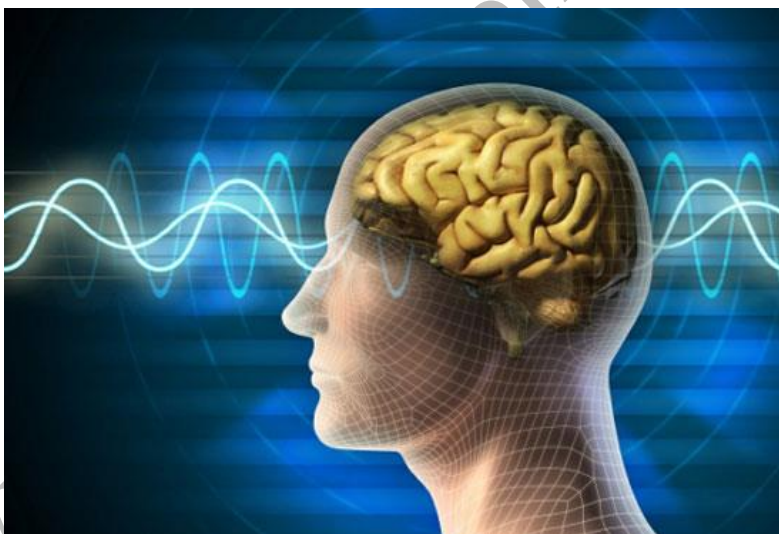
انسان و حیوان و هرآنچه می‌بینید: مولکول → اتم → هسته → کوارک → انرژی

## بخش دوم: قانون فرکانس چیست؟

قانون فرکانس بیان می‌کند که هر چیزی، در لرزش یا حرکت است و هیچ چیزی ساکن نیست و در حال ارتعاش و نوسان می‌باشد. **شدت ارتعاش، فرکانس** نامیده شده و هر چه برخوردها بیشتر، فرکانس بیشتر و در نتیجه، انرژی آن بیشتر است.

در جهان قانونی وجود دارد به نام **قانون جذب**، که بیان می‌کند هر چیزی که از انرژی ساخته شده باشد، دارای یک فرکانس اختصاصی بوده و فرکانس‌های مشابه به سمت هم جذب می‌شوند.

حال این قانون در مورد ما که از انرژی ساخته شده‌ایم، نیز صدق می‌کند. در واقع، ما انسان‌ها قوی‌ترین ایستگاه فرستنده فرکانس هستیم و در هر لحظه، این فرکانس‌ها و در واقع انرژی را به جهان ارسال می‌کنیم و جهان، این انرژی را **تبدیل به ماده** کرده و آن را به شکل افراد، ایده‌ها، اتفاقات و موقعیت‌هایی هماهنگ با این فرکانس‌ها، برایمان ایجاد می‌کند.



ما انسان‌ها قوی‌ترین ایستگاه فرستنده فرکانس هستیم

## یادآوری:

(قانون پایستگی انرژی: انرژی‌ها از بین نمی‌روند، بلکه از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شوند.)

## بخش سوم: توجه کردن، مهم‌ترین قانون جهان

چرا خیلی‌ها از قانون جذب نتیجه نمی‌گیرند؟

بسیاری بعد از دیدن فیلم راز و آشنایی با قانون جذب، شروع به فکر کردن درباره خواسته خود کردند، اما نتیجه بسیاری از آن نگرفتند، زیرا بعضی از مطالب اصلی فیلم یا حذف شده و یا اشتباه ترجمه شده است. نکته مهم در قانون جذب این است که ما به هرآنچه توجه کنیم، آن را وارد زندگی‌مان می‌کنیم و نه به هر آنچه که فکر کنیم و این پاشنه آشیل افراد بسیاری است که از این قانون نه تنها نتیجه نگرفته‌اند، بلکه بر علیه خود نیز استفاده می‌کنند.

همانگونه که گفته شد، ما در هر لحظه در حال ارسال فرکانس هستیم، اما فرکانس‌های ما بر اساس فکر ما به جهان ارسال نمی‌شود، بلکه باورهایی که در وجود ما و بهتر است بگوییم در ضمیر ناخودآگاه ما جمع شده است، باعث ایجاد احساس در ما شده و این احساسات، به جهان فرکانس ارسال می‌کند و جهان به آن پاسخ می‌دهد.

**باور چیست؟** باور فکری است که بارها و بارها به طریق گوناگون و از توجهات ما شکل گرفته است و این باور؛ که در واقع افکار غالب ما بوده و شکلی از انرژی است؛ دائما فرکانس فرستاده و طبق قانون این فرکانس‌ها به ماده تبدیل و به شکل افراد، شرایط و ایده‌ها به شما برگشت داده می‌شود.

ما با توجه کردن به هر موضوعی، ریشه آن را وارد ذهن ناخودآگاهمان (که مانند یک ضبط صوت همه چیز را ضبط می‌کند) کرده و بعد از تکرار این توجهات، آن‌ها تبدیل به باور شده و این باور، فرکانس ارسال کرده و جهان شرایطی هماهنگ با این باور را برایمان بوجود می‌آورد.

بطور خلاصه:

توجهات ← باور ← فرکانس ← جهان دریافت می‌کند ← پاسخ به شکل افراد، ایده‌ها، شرایط و موقعیت‌هایی هماهنگ با آن فرکانس



توجه کردن، به چهار روش شکل می‌گیرد:

۱- دیدن

۲- شنیدن

۳- صحبت کردن

۴- فکر کردن و تجسم کردن

نکته بسیار مهم:

**شما نمی‌توانید در طول روز، هر چیزی را ببینید و هر چیزی را گوش دهید و درباره هر چیزی صحبت کنید، بعد در گوشه‌ای بنشینید و تجسم کنید و مراقبه کنید و انتظار داشته باشید به خواسته‌هایتان برسید. این امر کاملاً غیر ممکن است.**

برای مثال، اگر شما دائماً درباره ناخواسته‌هایتان مانند فقر، بدهی، قرض‌ها، بیماری و کلاً هر آنچه که مورد خواسته‌تان نیست، صحبت کنید و یا فکر کنید، دارید این فرکانس را ارسال می‌کنید که از این جنس موضوعات، بیشتر می‌خواهید و **جهان مانند آینه عمل کرده** و شرایطی را برایتان بوجود می‌آورد که شما فقر بیشتر، قرض بیشتر و بیماری بیشتری را تجربه کنید.

پس بشدت مراقب نقطه توجه و ورودی‌های ذهنتان باشید که تمام زندگی‌تان را همین موارد ساده، ولی مهم می‌سازد.

احساسات ما، قطب نمای ماست!

نکته مهم در این موضوع این است که ما برای اینکه بدانیم بر چیزهای مورد خواسته‌مان (مانند پول، سلامتی) توجه می‌کنیم یا نه، از احساساتمان باید کمک بگیریم. مثلاً اگر هنگام فکر کردن به پول،

احساستان خوب نباشد، در واقع شما به نبود پول توجه می کنید.

برای مثال، هنگام خرید یک وسیله، زمانی که می خواهید پول آن را پرداخت کنید، اگر احساستان خوب نباشد، در واقع در حال توجه به از دست دادن آن هستید و این حس بد، به جهان فرکانس فرستاده که پول بیشتری از دست بدهید و جهان نیز شرایطی را برایتان بوجود می آورد که پول بیشتری از دست بدهید. ولی اگر در همان زمان، خدا رو شکر بگویید که پول خرید آن وسیله را دارید، احساس خوب ایجاد کرده که این فرکانس خوب، شرایطی بوجود می آورد که پول بیشتری بدست آورید.

در واقع شما هر لحظه کافی است که به احساستان در مورد هر موضوعی توجه کنید تا متوجه بشوید که آیا به مورد دلخواهتان توجه می کنید یا غیر دلخواه!

www.yekhabarekhoob.com

## بخش چهارم: باورهای ما از کجا شکل می‌گیرد؟

باورهای ما از توجه‌های ما شکل می‌گیرد و این باورها و احساسات ناشی از آن است، که به جهان هستی فرکانس می‌فرستد و شرایط، افراد و موقعیت‌هایی هم جنس با فرکانس‌هایمان به ما نشان می‌دهد.

خانواده، پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ ما، اولین مکان شکل‌گیری باورهاست. در این قسمت مثال‌هایی را می‌آورم که فقط در حیطه مسائل مادی است. مثلاً اگر در خانواده‌ای به دنیا آمده باشید که در آن، پول درآوردن سخت بوده، شما باور می‌کنید که پول در آوردن کاری بسیار دشوار است و یا اگر از نظر خانواده شما کار کارمندی کار مناسبی باشد، کار کارمندی را بسیار مناسب می‌دانید. ولی اگر پدرتان یا نزدیکانتان به راحتی کسب درآمد می‌کنند، ثروتمند شدن برای شما نیز آسان است و البته می‌توان مثال‌های بسیاری در این مورد زد.

دومین مکانی که باورهای ما را شکل می‌دهد، مدرسه و جامعه می‌باشد. اگر در جامعه‌ای بزرگ شده باشید که کسب ثروت، ناپسند تلقی شده و ثروتمندان، انسان‌های بدی به حساب آیند، کسب ثروت و ثروتمند شدن از نظر شما کاری ناپسند بوده و باعث دوری شما از خدا می‌گردد و این نکته بسیار مهم را در نظر بگیرید که شما نمی‌توانید به شخصی تبدیل شوید که احساس خوبی به آن ندارید و نمی‌توانید ثروتمند شوید زمانی که ثروتمندی را بد بدانید که این موضوع در ۹۵ درصد مردم دنیا ریشه دارد.

و اما مهم‌ترین و کلیدی‌ترین علتی که باورهای ضد ثروت در شما و در جامعه و در واقع در دنیا بوجود می‌آورد، از فیلم‌ها، اخبار و تلویزیون نشأت می‌گیرد.

حال به نظر شما، تلویزیون، اخبار و فیلم‌ها چه تاثیری در زندگی شما می‌توانند داشته باشند؟

آیا تا به حال در فیلمی (ایرانی یا خارجی فرق نمی‌کند) دیده‌اید که افراد ثروتمند، افراد خوبی باشند و از طریق درستی صاحب ثروت شده باشند. فرد ثروتمندی دیده‌اید که اهل راز و نیاز با خداوند باشد. اگر انسان خوبی هم باشد، یک مشکل بزرگ در زندگی‌اش دارد یا فرزندش بیمار است و یا خلاف کار یا دنبال همسر دیگری می‌گردد (بویژه در فیلم‌های ایرانی)، یا فرزندش را می‌دزدند و یا یک مشکل بزرگ دیگری در زندگی‌اش می‌بینید.

به فیلم‌های پر فروش دنیا نگاهی کنید...مثل فیلم پدرخوانده که فرد ثروتمند داستان، بدترین مردی است که در زندگی تان می‌بینید.

یا در فیلم تایتانیک که در ظاهر فیلمی عاشقانه است، ولی در آن انسان‌های ثروتمند، افرادی سرد و بی روح هستند که حتی هنگام غرق شدن کشتی حاضرند بچه افراد فقیر را بدزدند تا با دادن رشوه خود را نجات بدهند ولی افراد فقیر بسیار شاد و خوشحالند و هنگام غرق شدن کشتی منتظر مرگ و در حال دعا کردن هستند.

و در فیلم مرد عنکبوتی باز داستان همان است. ثروتمندان، انسان‌های بسیار شروری هستند و برای نجات یافتن از شر آنها، نیاز به یک منجی می‌باشد.

کارتون رابین هود هم که از کودکی این باور مخرب بد بودن انسان‌های ثروتمند را در افراد بوجود آورده، بدترین نوع کارتونی است که می‌توان در این مورد مثال زد.

توجه کردن شما به این فیلم‌ها، ذهن و باورهای شما را برای فقر برنامه‌ریزی می‌کند.

درباره اخبار نیز داستان همین گونه است. به اخبار دقت کنیم. نود و نه درصد اخبار در سرتاسر دنیا درباره اتفاقات و موضوعاتی است که مورد خواسته ما نیست.

جنگ، دزدی، قتل، تصادفات، اختلاس، تورم، گرانی و کلاً موضوعاتی که حس شما را خوب نمی‌کند.

اگر نگاه ساده‌ای به زندگی کسانی که از صبح تا شب اخبار می‌بینند، اخبار رادیو و تلویزیون ایران، روزنامه‌ها و سایت‌های مختلف، رادیو امریکا، رادیو اسرائیل، بی بی سی و ... (کلاً مهم نیست از چه جناح و گروه و سلیقه‌ای باشد) بکنید، افرادی که در اطرافمان کم هم نیستند، براحتی متوجه می‌شوید که زندگی ناپسامانی دارند، مضطرب و پریشان بوده و در یک کلام **حس و حال خوبی ندارند.**

حالا سوال مهم این است که علت این امر چیست؟ چرا این افراد حالشان خوب نیست؟ و جواب، یک جمله است: بر هر آنچه تمرکز کنید، همان در زندگیتان گسترش می‌یابد.

ما باید بشدت دقت کنیم که بر چه چیزی تمرکز می‌کنیم. وقتی شما تمرکز و توجهتان را بر چیزهای نامناسب می‌گذارید، چیزهایی که جزء خواسته‌های شما نیست، آنها گسترش پیدا می‌کند، چه شما دلتان

بخواهد و چه دلتان نخواهد.

ما باید بشدت دقت کنیم که بر چه چیزی تمرکز می‌کنیم. وقتی شما تمرکز و توجه‌تان را می‌گذارید بر چیزهای نامناسب، چیزهایی که جزء خواسته‌های شما نیست، آن‌ها گسترش پیدا می‌کند، این قانون است و شما به هر آنچه که توجه کنید آن را در زندگیتان گسترش می‌دهید.

آیا در دنیا اتفاقات خوب رخ نمی‌دهد؟

ما فقط شنیده‌ایم که در قسمتی از دنیا یک بیماری خاص شیوع پیدا کرده است، آیا از گسترش سلامتی و بهداشت در دنیا اخباری گفته می‌شود؟

یا در جاده‌ها یا خیابان‌ها تصادفی بزرگ یا کوچک رخ داده است و تعدادی کشته داده است ولی از سالم بودن سفر در جاهای دیگر حرفی زده نمی‌شود.

آیا تا حالا شده درباره امنیت و آسایش در کشورهایی مانند سوئد و فنلاند و... اخباری بشنویم؟

"درحقیقت، اخبار بازتابی از هر چیزی که در جهان اتفاق می‌افتد نیست، بلکه بازتابی از هر چیز اشتباهی است که در جهان اتفاق می‌افتد"

'John Sommerville' عضو فرهنگستان ایالات متحده در سال ۱۹۹۹

## بخش پنجم: ما می‌خواهیم نگاهی متفاوت به اخبار داشته باشیم

اخباری که می‌شنوید، نه تنها در ایران که در سرتاسر جهان تمرکزش بر روی اشتباهات بشری، روی بدی‌ها، روی ناپاکی‌ها، روی جنگ‌ها، روی بیماری‌ها و روی هر آنچه که انسان نمی‌خواهد، قرار دارد.

ما می‌خواهیم نگاهمان را متفاوت کنیم. هر چند اصراری نیست که این مطالب را هر کسی قبول کند و بپذیرد و فقط افرادی می‌توانند از آن استفاده کنند که با ما در یک مدار و فرکانس باشند، دنبال پیشرفت باشند، دنبال آرامش و خوشبختی باشند و به تو دوست عزیز که این مطالب را می‌خوانی و احتمالاً در این مدار قرار گرفته‌ای که این مقاله را می‌خوانی می‌خواهم بگویم که به هر آنچه توجه کنی، آن موضوع در زندگی‌ات بیشتر می‌شود.

"قرار گرفتن متممادی در معرض اخبار بد در طولانی مدت می‌تواند اثرات زیان آوری بر خلق و خو، نگرش‌ها، ادراکات و سلامت عاطفی داشته باشد"

'Jack Haskins' در مجله پژوهش روزنامه در سال ۱۹۸۱

### تمرین

به تو دوست عزیز پیشنهاد می‌کنم یک بار برای مدت چند ماه تلویزیون را کنار بگذار و نتایج آن را ببین. نتایج به قدری واضح و روشن است که جایی برای هیچ بحثی نمی‌ماند. آنگاه روحیه‌ات، درآمدت، سلامتی‌ات و رابطات را با گذشته مقایسه کن.

از تو می‌خواهم که ورودی‌های ذهنت را خیلی خیلی فیلتر کنی، چون اگر ما خودمان مواظب ورودی‌های ذهنمان نباشیم و ذهنمان را برنامه‌ریزی نکنیم، دیگران به نفع خودشان ذهنمان را برنامه‌ریزی خواهند کرد و این قانون مهم جهان را یادت باشد که به هر آنچه توجه کنی آن را جذب کرده و در زندگی‌ت شیوع پیدا می‌کند.

"افرادی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، ذهن خود را کنترل می‌کنند."

## The Doors 'Jim Morrison' خواننده گروه راک

بعضی از افراد می‌گویند شما می‌خواهید با ندیدن اخبار، ما واقعیت‌ها را نبینیم... اما سوال اساسی این است که آیا واقعیت این است؟ آیا جهان، خوبی ندارد؟ آیا کشورهای بسیاری در صلح نیستند؟ آیا بیماری، بیشتر از سلامتی است؟ آیا خشم و نفرت و جنگ، بیشتر از عشق و صلح و دوستی در جهان است؟

اگر می‌خواهی شاد باشی، اگر می‌خواهی حالت خوب باشه، امتحان کن. از تو می‌خوام حواست را جمع کنی، چیزهای خوب بشنوی، چیزهای زیبا ببینی، دنیا این همه زیبایی دارد، هزاران برابر افراد مریض، افراد سالم وجود دارد، هزاران برابر جاهایی که جنگ است جاهایی هست که صلح وجود دارد.

ما باید انتخاب کنیم. ما می‌خواهیم به سمت خوبی‌ها برویم یا به سمت بدی‌ها؟ فقر یا ثروت؟ سلامتی یا بیماری؟

انتخاب‌ها و تصمیم‌های ما، زندگی ما را تشکیل می‌دهد. آیا حالا تصمیم می‌گیری که رادیو و تلویزیون را از زندگی‌ات حذف کنی؟ تصمیم می‌گیری توجهات را به چیزهایی که دوست داری معطوف کنی نه چیزهایی که دوست نداری؟

امروز همین لحظه تصمیم بگیر، تصمیم بگیر شاد باشی، تصمیم بگیر که خودت برای خودت فکر کنی...

در نهایت، اگر می‌خواهیم به جهان کمک کنیم، اگر می‌خواهیم به بشریت کمک کنیم، باید توجه‌مان را

بر روی چیزهای مثبت و چیزهایی که می‌خواهیم.

هرچقدر به چیزهای ناخواسته بیشتر توجه کنیم، آن‌ها را بیشتر گسترش می‌دهیم. با توجه کردن به جنگ‌ها و بدبختی‌ها، فقط آن‌ها را بیشتر کرده‌ایم. بشر، سال‌ها و قرن‌هاست با تمرکز روی چیزهایی که نمی‌خواهد، آن‌ها را گسترش داده است، بدون آنکه به کارش دقت کرده باشد.

با توجه من و شما روی چیزهای خوب و ارزشمند، باعث می‌شویم چیزهای مثبت در جهان بیشتر بشود، باعث می‌شویم که جنگ‌ها، درگیری‌ها و بیماری‌ها، کمتر و جهان، جای بهتری برای زندگی‌مان بشود.

## یک تولد

سایت ی خبر خوب ([www.yekhabarekhoob.com](http://www.yekhabarekhoob.com)) نیز بر اساس همین قوانین شکل گرفت. سایتی که تمرکزش بر روی اخبار و اتفاقات خوب در سرتاسر دنیا می‌باشد، تا با توجه به اخبار خوب، آن را گسترش داده و سهمی داشته باشد تا جهان را جای زیباتری برای زندگی کنیم.

نکته مهم این است که سایت ی خبر خوب یک سایت خبرگزاری نیست که دنبال نقاط ضعف آدمی باشد که برای این موضوع، تا دلتان بخواهد روزنامه و اخبار تلویزیون و سایت و کانال تلگرامی وجود دارد.

ما توجه و تمرکزمان فقط روی اتفاقات و اخبار مثبت و خوب دنیاست تا با توجه به قرار گرفتن در این مدار، ثروت و سلامتی و روابط عالی و در یک کلام **اتفاقات خوب** را در زندگی خود و همراهانمان و دنیا بیشتر و بیشتر کنیم.

کاری که بسیار لذت‌بخش بوده و احساس تاثیرگذاری بسیار بیشتری نسبت به کارهای قبلی‌مان در تیم ی خبر خوب بوجود آورده است.

امیدوارم تو دوست خوبم نیز با توجه و تمرکز به آنچه می‌خواهی، به آرزوهایت جامه عمل بپوشانی تا با کمک هم، جهانی بسیار زیبا برای یکدیگر بسازیم.



## بخش ششم: چگونه باورهايمان را تغيير بدهيم

همانطور که از ابتدا صحبت کردیم، این باورهای ماست که به جهان هستی فرکانس ارسال می‌کند و شرایط زندگی ما را تعیین می‌کند و اگر بتوانیم باورهايمان را تغيير بدهيم، در نتیجه، فرکانس‌های متفاوتی نسبت به قبل به جهان ارسال کرده و نتایج متفاوت و مورد نظرمان را بدست می‌آوريم.

اما نکته اساسی این است که تغيير باور، کار یکی دو روز و حتی یک ماه نیست و نیاز به تمرین‌هایی دارد که باید همیشه آن‌ها را انجام بدهيد تا باورهای قبلی به سراغ شما برنگردد.

سه راه برای تغيير باور وجود دارد:

۱. پیدا کردن نمونه‌های واقعی بر خلاف آنچه باور دارید

۲. تمرکز و یافتن موفقیت‌های قبلی

۳. استفاده از عبارات تأکیدی

برای استفاده صحیح از این قانون ثابت، تغيير باورها و تنظیم فرکانس، تمرین‌های بسیار قدرتمندی به شکل یک جزوه تکمیلی تهیه شده است که بصورت بسیار کامل، هر تمرینی را توضیح داده و شما می‌توانید وارد وب سایت [www.yekhabarekhoob.com](http://www.yekhabarekhoob.com) شده و یا با کلیک کردن بر روی لینک زیر، این بخش تکمیلی را بصورت رایگان دریافت نمایید:

[لینک دریافت جزوه تکمیلی کتاب رئیس جمهور خودت باش](#)

تمرین‌هایی که من و هزاران نفر، از آن نتایج بی نظیری گرفتند و ایمان دارم با رعایت این قوانین، نتایج مورد نظرمان را بدست می‌آوريد.

شما می‌توانید این کتاب را بصورت رایگان به دوستان تان هدیه بدهيد.

در انتها از شما دوست عزیز می‌خواهم و لازم است که این کتاب و هر پاراگراف آن را بارها و بارها مطالعه کرده تا مفاهیم اصلی آن را بهتر و بهتر متوجه شده و شناخت دقیق تری از این قوانین ثابت پیدا کنید.

در جهانی که بر اساس قوانین ثابت اداره می‌شود، زندگی کردن راحت و لذت بخش است. خوبی را پخش کنیم تا به ما هم برسد.

منتظر خبرهای خوب شما هستم.

مهران فصاحت

۱۳۹۵

www.yekhabarekhoob.com